# معنی Conversation صفحه ۷۶ درس سوم زبان دهم

#### كلمات مهم اين صفحه:

me Believeباور کن	medicineدارو
Coolبالب	مشهور famous
usefulمفيد	buildساختن

#### Conversation

Roya and Mahsa are leaving the library.

رویا و مهسا در حال خارج شدن (ترک کردن) کتابخانه هستند.

Roya: When I came in, you were reading a book. What was it?

رویا: موقعی که من وارد شدم شما در حال خواندن یک کتاب بودید. آن چه بود؟

Mahsa: I was reading a book about famous Iranian scientists.

مهسا: من داشتم کتابی دربارهی دانشمندان مشهور ایرانی میخواندم.

Roya: But such books are not very interesting.

رويا: اما جنين كتابهايي خيلي جالب نيستند.

Mahsa: At first I had the same idea, believe me!

مهسا: در ابتدا من هم چنین نظری داشتم.

Roya: Did you find it useful?

رویا: آیا به نظرت مفید بود؟

Mahsa: Oh yes. Actually I learned many interesting things about our scientists' lives.

مهسا: وای بله. واقعاً من چیزهای جالب زیادی درباره زندگی دانشمندان یاد گرفتم.

**Rova: Like what?** 

رويا: مثل چي؟

Mahsa: For example Razi1 taught medicine to many young people while he was working in Ray Hospital. Or Nasireddin Toosi built Maragheh Observatory when he was studying the planets.

مهسا: به عنوان مثال، رازی، پزشکی را به افراد جوان زیادی یاد دارد در حالی که در بیمارستان ری کار میکرد یا نصیر الدین طوسی رصدخانه مراغه را ساخت موقعی که روی سیارات مطالعه میکرد.

Roya: Cool! What was the name of the book?

رويا: جالبه، نام كتاب چه بود؟

Mahsa: Famous Iranian Scientists.

مهسا: دانشمندان مشهور ایر انی.

#### Questions

# Answer the following questions orally.

به سوالات زير به صورت شفاهي پاسخ دهيد.

# 1. Were Mahsa and Roya in a laboratory?

No, they were leaving a library. آیا مهسا و رویا در یک آزمایشگاه بودند؟ نه، آنها در حال ترک یک کتابخانه بودند.

#### 2. Who came to the library sooner, Mahsa or Roya?

Mahsa came to the library sooner. چه کسی زودتر به کتابخانه آمد؟ مهسا زود اومد کتابخانه.

#### 3. Do you know any interesting story about famous scientists?

Yes, I know.

آیا شما هیچ داستانی از دانشمندان معروف ایرانی میدانید؟ بله می دانم.

# معنی کلمات صفحه ۷۷ درس سوم زبان دهم



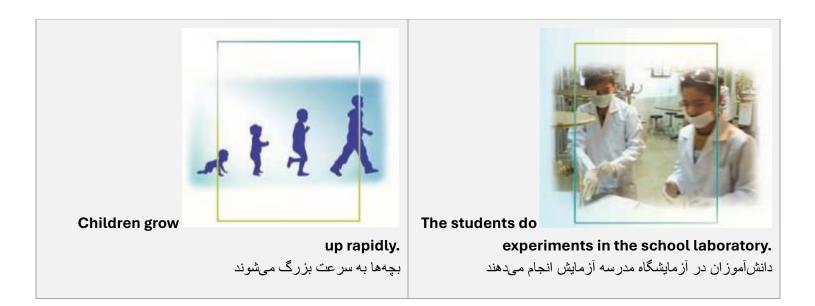
energetic boy.

بابک یک پسر پر انرژی است



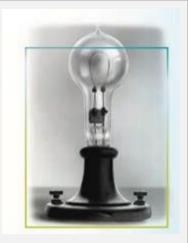
to learn English.

ملیکا سخت تلاش میکند تا انگلیسی یاد بگیرد



# معنى كلمات صفحه ٧٨ درس سوم زبان دهم





Edison invented the

first light bulb. ادیسون اولین لامپ را اختراع کرد



No success is possible without hard work. هیچ مو فقیتی بدون سخت کوشی ممکن نیست

# معنی Read and Practice صفحه ۷۹ درس سوم زبان دهم

B. Read and Practice.

solve: to find an answer to a problem

حل کر دن: بیدا کر دن جوابی برای یک مساله.

We can help you solve your problems.

ما مىتوانىم به تو كمك كنيم مشكلات خود را حل كنى.

develop: to grow or change into a stronger, larger or better form

توسعه دادن/رشد دادن :رشد دادن یا تغییر دادن به یک شکل قوی تر، بزرگتر یا بهتر.

This book can develop your speaking skill.

این کتاب می تو اند مهارت صحبت کر دن تو را توسعه دهد

belief: something that you believe

باور، اعتقاد :چیزی که به آن اعتقاد دارید.

Her belief in Allah gave her hope during difficult times.

اعتقاد او به خدا در لحظات سخت به او امید داد.

quit / give up: to stop doing something

دست کشیدن، ترک کردن، رها کردن:متوقف کردن

Fortunately, his father is going to quit smoking.

کاری سرانجام، یدر او قصد دارد سیگار را ترک کند.

He gave up his work without saying anything to us.

او بدون این که چیزی به ما بگوید از کارش منصرف شد.

thousands of: a large number of things or people

هزاران، تعداد زیاد: تعداد زیادی از چیزها یا مردم

There are thousands of things I want to do.

هزاران چيز وجود دارد كه من ميخواهم انجام دهم.

# معنی Reading صفحه ۸۰ درس سوم زبان دهم

Reading

No Pain No Gain

Human knowledge develops with scientists' hard work.

معنی :دانش انسان با سخت کوشی دانشمندان توسعه می بابد.

Many great men and women try hard to find facts, solve problems and invent things.

معنی :مر دان و زنان زیادی سخت تلاش می کنند تا حقایق را بیدا کنند، مسائل را حل کنند و جیز ها را اختر اع کنند.

Some of these scientists did not have easy lives. But they tried hard when they were working on problems.

معنی: برخی از این دانشمندان زندگی راحتی نداشتند . اما آنها سخت تلاش کردند موقعی که داشتند روی مشکلات کار می کردند.

They never felt weak when they were studying. They never gave up when they were doing research.

معنی: آنها هرگز احساس خستگی نمیکردند موقعی که داشتند مطالعه میکردند. آنها هرگز تسلیم نمیشدند موقعی که داشتند تحقیق میکردند.

There are great stories about scientists and their lives. One such a story is about Thomas Edison.

معنی :داستان های بزرگی درباره دانشمندان و زندگی شان وجود دارد . یکی از این داستان ها درباره توماس ادیسون است

As a young boy, Edison was very interested in science. He was very energetic and always asked questions.

معنی :به عنوان یک پسر جوان، ادیسون بسیار علاقمند به دانش بود . و همیشه سوال می پرسید.

Sadly, young Edison lost his hearing at the age of 12.

معنی :با تاسف ادیسون جوان شنوایی اش را در سن 12 سالگی از دست داد.

He did not attend school and learned science by reading books in the library himself.

معنى :او در مدرسه حاضر نشد و علم و دانش را خودش با خواندن كتابها در كتابخانه ياد گرفت.

When he grew up he worked in different places, but he never lost his interest in making things.

معنی: موقعی که بزرگ شد در مکان های مختلف کارکرد اما هرگز علاقه اش را برای درست کردن چیزها از دست نداد

Edison was famous for doing thousands of experiments to find answers to problems.

معنی: ادیسون به خاطر انجام هزار آن آزمایش برای اینکه جواب های مسائل را بیدا کند مشهور بود.

He said, "I never quit until I get what I'm after".

معنى :او گفت : من هرگز تسليم نمى شوم تا اينكه به آنچه مى خواهم برسم.

Edison had more than 1,000 inventions and was very successful at the end of his life.

معنى :اديس ون بيشتر از 1000 اختراع داشت و در يايان زندگياش خيلي موفق بود.

Many great names had stories like this. But the key to their success is their hard work and belief in themselves.

معنى:اسامى بزرگ زيادى داستان هايي اين چنيني داشتند . اما كليد موفقيت آنها سخت كوشى و اعتقاد به خودشان است.

If you want to get what you want, work hard and never give up.

معنى :اگر شما ميخواهيد به آنچه كه دوست داريد برسيد، سخت كار كنيد و هرگز تسليم نشويد.

جواب صفحه ۸۱ درس سوم زیان دهم

A. Choose the best answer.

بهترین یاسخ را انتخاب کنید.

1- Where did Edison learn science?

ادیسون کجا علوم پایه را یاد گرفت؟

a) In the library 🔽

در کتابخانه

b) At school

در مدرسه

#### c) In the laboratory

در آزمایشگاه

#### 2- How did Edison find answers to problems?

اديسون چگونه ياسخ مسائل را پيدا ميكرد؟

# a) By sleeping in the laboratory

با خوابیدن در آزمایشگاه

# b) By doing many experiments 🗸

با انجام دادن آزمایشات

# c) By quitting what he was after

با منصرف شدن از چیزی که دنبالش بود.

#### 3- Which is not true about scientists?

کدام در مورد دانشمندان درست نیست؟

#### a) They find facts

آنها حقایق را پیدا میکردند.

# b) They invent things

أنها چيز هايي اختراع ميكردند.

# c) They feel weak

أنها احساس ضعف ميكنند

#### B. True/False

درست و نادرست

# 1- Edison finally lost his interest in inventing things. False 💢

ادیسون سرانجام علاقهاش به اختراع چیزها را از دست داد.

# 2- Edison did not attend school at all. False 💢

ادیسون اصلاً در مدرسه حاضر نشد.

3- Hard work is the key to scientists' success. True

سخت کوشی کلید موفقیت دانشمندان است.

#### C. Match two halves.

دو نیمه جمله را به هم وصل کنید

1. After Edison lost his hearing ....(b)...

بعد از اینکه ادیسون شنوایی اش را از دست داد...

# 2. When scientists were working on problems .....(c)....

وقتی دانشمندان در حال کار کردن روی مسائل بودند...

3. If you like to be successful ....(a)...

اگر شما میخواهید موفق شوید....

a. you must not feel weak.

-نباید احساس ضعف کنید.

b. he did not quit studying.

او مطالعه را ترک نکرد.

c. they did not give up.

آنها مسئله را رها نمیکر دند.

d. he became a famous person.

او شخص معروفي شد.

معنی گرامر صفحه ۸۲ درس سوم زبان دهم

Grammar

A. Read the following texts.

Tahereh Saffarzadeh was an Iranian writer, translator and thinker.

معنى :طاهره صفار زاده يک نويسنده، مترجم و متفكر ايراني بود.

When other kids were still playing outside,

معنی :وقتی که بچههای دیگر بیرون در حال بازی کردن بودند،

she learned reading and reciting the Holy Quran at the age of 6.

معنى :او خواندن و قرآن تلاوت كردن را در سن 6 سالگى ياد گرفت.

As a young student,

معنی :به عنوان یک دانش آموز نوجوان،

she was working very hard to learn new things.

معنی: او به سختی تلاش میکرد تا چیز های جدید یاد بگیرد.

She also was writing poems at that time.

معنى:او همچنين در آن زمان در حال نوشتن شعر بود.

She published her first book while she was still studying in the university.

معنی :او اولین کتابش را در حالی که هنوز در دانشگاه درس میخواند منتشر کرد.

She got interested in translating the Holy Quran when she was studying and teaching translation.

معنى :او هنگامى كه در حال درس خواندن و درس دادن ترجمه بود به ترجمه قرآن كريم علاقهمند شد.

She published her translation of the Holy Quran in 1380.

معنى :او ترجمه قرآن كريم خودش را در سال 1380 منتشر كرد.

Saffarzadeh passed away in 1387.

معنى: صفار زاده در سال 1387 درگذشت.

Alexander Fleming was a great researcher.



معنى :الكساندر فلمينگ يک محقق بزرگ بود.

He was doing research in his laboratory in winter 1928.

معنى :او در زمستان سال 1928 در حال تحقيق در آزمايشگاهش بود.

He was trying to find a new medicine to save people's lives.

معنی :او تلاش میکرد دارویی جدید پیدا کند تا زندگی مردم را نجات دهد.

He found a new medicine when he was working on antibiotics.

معنی :او وقتی که در حال کردن روی آنتی بیوتیک بود دارویی جدید بیدا کرد.

This was the amazing penicillin.

معنی: این همان بنی سیلین شگفت انگیز بود.

Many other doctors were also working on this medicine in those days.

معنی:بسیاری از پزشکان دیگر هم در آن روزها در حال کار کردن روی این دارو بودند.

They helped the first patient with penicillin in 1942 when the flu was getting around.

معنى: آنها با پنى سيلين به اولين بيمار در سال 1942 وقتى كه آنفو لانزا در حال شيوع بود كمك كردند.

#### جواب صفحه ۸۴ درس سوم زبان دهم

# C. Tell your teacher how 'past progressive' is made

به معلمتان بگویید «زمان گذشته استمراری» چگونه ساخته می شود. بر عهده دانش آموز

D. Read the 'Conversation' and underline all 'past progressive verbs'.

مكالمه را بخوانید و زیر فعلهای زمان گذشته استمراری خط بكشید.

were reading

was reading

working

was studying

جواب صفحه ۸۵ درس سوم زبان دهم

E. Read the following paragraph and choose the best verb forms.

پاراگراف زیر را بخوانید و بهترین شکل فعل را انتخاب کنید.

It was raining yesterday. I was sitting/sit in the living room.

دیروز داشت باران میبارید. من نشسته بودم / مینشینم در اتاق پذیرایی.

I watched/was watching a movie about a great scientist, Ghiyath al-Din Jamshid Kashani.

من تماشا کردم / داشتم تماشا میکردم فیلمی درباره یک دانشمند بزرگ غیاث الدین جمشید کاشانی.

He was a great inventor. He was from Kashan. His father was a doctor.

جمشید به اعداد و سیارات بسیار علاقهمند است / بود.

Jamshid is/was very interested in numbers and planets. Actually, he invented/invent many interesting things when he was solving/solved math problems.

در واقع او چیز های جالب زیادی اختراع کرد/ اختراع میکند وقتی که او داشت حل میکرد / حل کرد مسایل ریاضی را.

Sadly, this scientist has/had a very short life. Someone was killing/killed him when he worked/was working in his observatory. He was/is only 42 years old.

متأسفانه، این دانشمند عمر بسیار کوتاهی دارد / داشت. شخصی او را داشت میکشت / کشت وقتی که او کار کرد / داشت کار میکرد در رصدخانهاش. او فقط 42 سال داشت / دارد.

# معنی صفحه ۸۷ درس سوم زبان دهم

#### Listening & Speaking

A. You may use 'simple past' and 'past progressive' together to narrate a story. Past progressive is sometimes used to give background/ situation to the story.

شما می توانید از ماضی ساده و ماضی استمراری برای نقل یک ماجرا استفاده کنید. از ماضی استمراری برای ایجاد یک یس زمینه در داستان استفاده می کنیم.

Last night at 8 o'clock we were sitting in the hall.

شب گذشته ساعت ۸ در هال نشسته بو دیم.

We were talking about our day.

داشتیم در مورد اتفاقات روزمره مان صحبت می کردیم.

Suddenly we heard a noise.

ناگهان سر و صدایی شنیدیم.

My father went out to see what was making the noise.

پدرم بیرون رفت تا ببیند چه چیزی دارد سرو صدا می کند.

When my father was walking in the yard, we went to the kitchen.

وقتى يدرم داشت در حياط قدم مى زد ما به آشيزخانه رفتيم.

We saw a kitty in the kitchen. It was eating a cookie.

در آشیزخانه یک بچه گربه دیدیم که داشت کیکی می خورد.

The Poor kitty was hungry.

بچه گربه بیچاره گرسنه بود.



# You may use the following patterns to ask and answer about stories that happened in the past.

می توانید از الگوهای زیر برای پرسش و پاسخ درباره داستان هایی که در گذشته اتفاق افتاده است استفاده کنید.

What were you doing (yesterday at 8)?

تو (ديروز ساعت 8) در حال انجام چه کاری بودی؟

What was happening (yesterday at 8)?

(دیشب ساعت 8) چه اتفاقی در حال رخ دادن بود؟

جواب صفحه ۸۸ درس سوم زبان دهم

B. Listen to the following conversations and complete the sentences.

ب- به مكالمات زير گوش دهيد و جملات را كامل كنيد.

1. Leila was walking home.

2. The driver careless.

Pair up and ask your friends about the things they were doing last weekend in the afternoon. You may use the verbs in the box.

دو نفره شوید و از دوستانتان در مورد کارهایی که آخر هفته گذشته در بعدازظهر انجام می دادند بپرسید. می توانید از افعال موجود در کادر استفاده کنید.

talk to someone, read a book, watch TV, play in the yard

با کسی صحبت کنید، کتاب بخوانید، تلویزیون تماشا کنید، در حیاط بازی کنید

#### 1. Amir went shopping.

#### 2. Amir was walking at bazar.

Pair up and ask your friends about the things they did or didn't do when they were solving a problem. You may use the verbs in the box.

دو نفر شوید و از دوستانتان در مورد کار هایی که در هنگام حل مشکل انجام داده اند یا انجام نداده اند بپرسید. می توانید از افعال موجود در کادر استفاده کنید.

study hard, work long hours, quit working, feel weak, try hard, give up trying

سخت مطالعه کنید، ساعت های طولانی کار کنید، کار را رها کنید، احساس ضعف کنید، سخت تلاش کنید، دست از تلاش بردارید

#### معنی صفحه ۸۹ درس سوم زبان دهم

A. Listen to the following sentences. Notice how the speaker put emphasis on some words به جملات زیر گوش کنید. توجه کنید که گوینده چگونه روی کلمات خاص تاکید می کند.

- .Were you doing the research? No, Ali was \

آبا تو بودی که داشتی جستجو می کردی؟ نه علی بود.

- .Who broke the window? It wasn't me

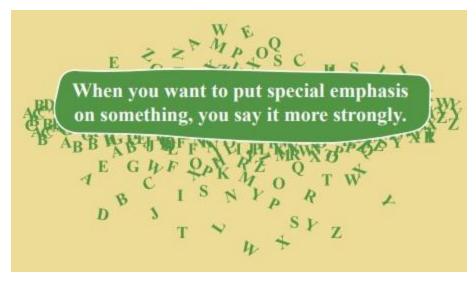
كى پنجره را شكست؟ من نبودم.

- Why were the students making so much noise? They weren't. The workers were \*making noises

چرا دانش آموزان این قدر سرو صدا می کردند؟ آن ها نبودند. کارگران سرو صدا می کردند.

- .ls it Jim's car over there? No, his car is white

آیا ماشین جیم آنجا است؟ نه ماشین جیم ، سفید رنگ است.



وقتی می خواهید روی چیزی تاکید ویژه داشته باشید، آن را با شدت بیشتری بیان می کنید.

#### جواب صفحه ۹۰ درس سوم زبان دهم

B. One word in each sentence is red. Say the sentence with emphatic stress on that word. Can you guess how the meanings of the sentences are different?

یک کلمه در هر جمله قرمز است. جمله را با تاکید بر آن کلمه بگویید. آیا می توانید حدس بزنید که معنی جملات چگونه متفاوت است؟

Mina's dress is white. پیر اهن مینا، سفید است. Mina's dress is white پیر اهن مینا، سفید است. Mina's dress is white پیر اهن مینا، سفید است.

# معنی Writing صفحه ۹۱ درس سوم زبان دهم

A verb is a word that expresses an action or a state of being.

:Action verbs) عملى:

He is writing a letter. او در حال نو شتن نامه است.

#### The children went to school by bus yesterday.

بچها دیروز با اتوبوس به مدرسه رفتند

# My brother drinks milk every day.

برادر من هروز شیر مینوشد.

# معنی صفحه ۹۲ درس سوم زبان دهم

2) State verbs:

The verbs that express a state rather than an action. They usually relate to emotions, thoughts, and senses.

فعل هایی که حالتی را بیان می کنند نه یک عمل فیزیکی. این فعل ها به احساسات افکار و مفاهیم اشاره دارند. We believe in Allah.

ما به خدا اعتقاد دار بم

We love our country.

ما كشور مان را دوست داريم.

She feels happy.

او خو شحال است.

#### جواب صفحه ۹۳ درس سوم زبان دهم

#### Simple and Continuous Forms

شکل های ساده و استمر ار ی

1) We can use the simple or the continuous form of action verbs:

ميتوانيم شكل ساده يا استمرارى افعال حركتى استفاده كنيم.

- I cleaned my room yesterday.

دیروز اتاقم را تمیز کر دم

- I am cleaning my room now.

اكنون مشغول تميز كردن اتاقم هستم.

2) We usually use the simple form rather than the continuous form of state verbs:

برای افعال حسی به جای شکل استمراری معمولاً از شکل ساده استفاده میکنیم.

- I don't know the name of the street.

اسم خیابان را نمی دانم.

- Kids love chocolate.

بچهها شكلات دوست دارند.

- B. Read the following sentences and choose the best verb forms: جملات زیر را بخوانید و بهترین شکل فعل را انتخاب کنید
  - 1. I (don't like / am not liking) reading newspapers.

-1من (دوست ندارم / در حال دوست نداشتن) خواندن روزنامه ها را.

2. At 3 o'clock yesterday, I (needed / was needing) a taxi.

-2دیروز ساعت سه من (نیاز داشتم / در حال نیاز بودم) یک تاکسی.

3. She (watches / is watching) television at the moment.

-3او (تماشا مىكند / در حال تماشا است) تلويزيون را در اين لحظه.

4. I (want / am wanting) to go to the cinema tonight.

-4من (ميخواهم / در حال خواستن) بروم به سينما امشب.

5. Unfortunately, he (didn't remember / wasn't remembering) my name.

-5متأسفانه او (بیاد نمی آورد / در حال بیاد نیاوردن بود) اسم مرا.

# جواب صفحه ۹۵ درس سوم زبان دهم

#### **What You Learned**

آنچه شما یاد گرفتید

A. Listen to the first part of a story.

به بخش اول داستان گوش کنید

1. Fill in the blanks based on what you just heard.

جاهای خالی را با توجه به آنچه شنیدهاید کامل کنید.

Sajjad was taking pictures yesterday at ...the park...

سجاد دیر و ز داشت در بارک عکس میگر فت.

When he was taking pictures ...fire fighters.... came to help.

وقتی که او داشت عکس میگر فت، آتشنشانها بر ای کمک آمدند.

2. Listen again and list 'past progressive verbs'.

دو باره گوش کنید و فعل های ماضی استمر اری را بنویسید.

was taking- was walking- was waiting

#### B. Now listen to the rest of the story.

The firefighters jumped out of their cars. They were working quickly. They were putting out the fire. People were standing near the building. They were watching the fire. It was dangerous. Sajjad put his camera aside and asked people to leave. The firefighters put out the fire when he was talking with people.

آتشنشانها از ماشینهایشان بیرون پریدند. آنها سریع کار میکردند. آنها آتش را خاموش میکردند. مردم در کنار ساختمان ایستاده بودند. آنها آتش را تماشا میکردند. آن خطرناک بود. سجاد دوربینش را کنار گذاشت و از مردم درخواست خروج کرد. آتشنشانان آتش را خاموش کردند هنگامی که او با مردم صحبت میکرد.

# 3. Underline all 'past progressive verbs'.

با رنگ زرد در بالا مشخص شده است

C. Work in pairs. Ask and answer. Use appropriate sentence stress and intonation.

کار کنید به صورت دو نفره. سوال بیرسید و یاسخ دهید. از تاکید و آهنگ مناسب در جمله استفاده کنید.

What was Sajjad doing in the park?
He was taking pictures.

سجاد در پارک چه می کرد؟ داشت عکس می گر فت.

Did Sajjad put out the fire? No, the firefighters did.

> سجاد آتش را خاموش کرد؟ نه، آتش نشان ها انجام دادند.

Were the firefighters working slowly?

No, they were working very fast.

آیا آتش نشان ها کند کار می کردند؟ نه، آنها خیلی سریع کار می کردند.